

# مسئولیت فروشنده نسبت به خسارات وارد بر خریدار در فروشگاه‌های بزرگ

سوده ناطق نوری

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

E-mail:soudeh\_nouri@yahoo.com

## چکیده

فروشگاه بزرگ، نوعی از فروشگاه است که در آن، خریداران کالاهای مورد نظر خود را آزادانه انتخاب کرده و سپس آن‌ها را برای محاسبه بر روی پیشخوان قرار می‌دهند.<sup>۱</sup> خریدار به دلیل ورود به فضایی وسیع و نامحدود بودن زمان حضورش در فروشگاه، در معرض ورود خساراتی است که بحث مسئولیت جبران آن خسارات از مباحث مهم قابل طرح در بیع در فروشگاه‌های بزرگ است. این خسارات، تحت دو عنوان: «خسارات ناشی از عیب کالا» و «خسارات مربوط به لغزش و سقوط» قابل بررسی هستند. در این مقاله تلاش خواهیم کرد با بیان رویه محاکم آمریکا در زمینه این دعوی، خوانندگان محترم را نسبت به موضوعات و وضعیت این قسم از بیع که در سال‌های اخیر، رشد زیادی در کشور ما داشته است، آشنا کنیم.

**واژگان کلیدی:** فروشگاه بزرگ، خسارت، مسئولیت، فروشنده، خریدار.

## مقدمه

بیع در فروشگاه‌های بزرگ از لحاظ ساختار، با بیع در فروشگاه‌های محلی ساده تفاوت‌های عمده‌ای دارد. ایجادکنندگان این قسم از فروشگاه‌ها به دنبال کسب سود بیشتر محیط نسبتاً وسیعی را با اقلام مختلف آماده می‌کنند و خریداران را برای ورود و انتخاب مایحتاجشان دعوت می‌نمایند. خریداران نیز وارد این محیط شده، و مدت زمانی را در درون فروشگاه می‌گذرانند. در تمام طول این مدت آن‌ها در معرض خطراتی هستند، که صرف حضور در فروشگاه، این خطرات را برایشان به ارمان می‌آورد. کالاهایی که قبل از چیده شدن درون قفسه‌ها بر روی زمین قرار دارند، کالاهایی که به شکلی نامناسب بر روی قفسه‌ها چیده شده‌اند، زمینی که به دلیل ریختن مایعات یا اشیاء موضوع فروش، لغزنده شده است، و بسیاری موارد از این دست که می‌توانند منتهی به ورود خساراتی به خریدار شوند.

**فروشگاه بزرگ نوعی از فروشگاه است که در آن خریدار، شخصاً به انتخاب ما یحتاج خود می‌پردازد.**

**در اواسط قرن بیستم، یکی از دعاوی متداول محاکم آمریکا، تعیین مسئول خسارات وارد بر خریدار فروشگاه بزرگ بود.**

سوالی که محاکم کامن لو بخصوص آمریکا که خاستگاه و مرکز رشد این قسم از فروشگاه‌ها در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ میلادی بوده است، سال‌ها با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند اینست که مسئول جبران خسارات وارد بر خریدار چه کسی است؟ امروز بعد از گذشت بیش از ۶۰ سال از ظهور این مباحث در محاکم آمریکا، دیر یا زود، دادگاه‌های ما نیز، به سمت رسیدگی به



دعاوی از این قسم کشیده خواهند شد و آگاهی از تصمیمات و استدلالات محاکمی که سابقاً با این موضوعات مواجه شده‌اند می‌تواند به ایجاد یک رویه قضایی کامل که هم جامع نقاط قوت آراء آمریکا در این حوزه و هم مانع از ورود نقاط ضعف آن‌ها باشد، برای نظام حقوقی ما گردد.

مقاله حاضر تلاش خواهد کرد که رویه قضایی محاکم آمریکا را نسبت به دو دسته از دعاوی بیان نماید. دعاوی مربوط به خسارات ناشی از عیب کالاها یا عرضه شده در فروشگاه و دعاوی مربوط به خسارت ناشی از لغزش و سقوط خریدار درون فروشگاه. این دو بحث را طی دو بخش مجزا مورد بحث قرار خواهیم داد.

### بخش اول) دعاوی مربوط به خسارات ناشی از عیب کالاها یا عرضه شده در فروشگاه

بیشترین رویه قضایی در این حوزه، در دوره زمانی بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۰ ایجاد شده است. این امر دور از انتظار نیست چرا که دوره اوجگیری این قسم فروشگاه‌ها اواسط قرن بیستم بوده است. در اوایل این دوره دو اصطلاح بسیار مهم در اکثر دعاوی فوق به چشم می‌خورد که بد نیست ابتدائاً توضیحاتی در زمینه معنای آن‌ها ارائه گردد:

**۱. Merchantability.** این عبارت به معنای «تضمین کارایی و تناسب با هدف نوعی کالا» است. این اصطلاح که در اکثر دعاوی اولیه مربوط به مسئولیت فروشنده مطرح می‌شد، مربوط به زمانی است که مسئولیت فروشنده از قرارداد و با استناد به یک شرط ضمنی قراردادی توجیه می‌شد. محاکم عقیده داشتند بعد از انعقاد قرارداد، فروشنده، مسئول تضمین کارایی کالا و تناسب با هدف نوعی کالا برای خریدار است. البته بعدها تناسب با هدف نوعی به تناسب با هدف خاص خریدار نیز تسری پیدا کرد. در عین حال این قاعده سال‌ها بعد با پیشرفت‌هایی که در زمینه مبنای مسئولیت فروشنده در حقوق آمریکا ایجاد شد کاربری گذشته خود را از دست داد. سیر پیشرفت مبنای مسئولیت را در صفحات بعد مفصلاً بیان خواهیم داشت.

**۲. Res ipsa loquitur.** این قاعده به معنای فرض تقصیر عرضه‌کننده و تولیدکننده کالا است. قاعده‌ای که به موجب آن هرگونه صدمه‌ای به مصرف‌کننده وارد شود، نشانه

تقصیر عرضه یا تولیدکننده کالا است. و این فرض را به وجود می‌آورد که فروشنده یا عرضه‌کننده غفلتی کرده است. در نتیجه، به جای اینکه خواهان (خریدار) بار اثبات تقصیر را به دوش بکشد، با تولیدکننده است که خلاف فرض و بیگناهی خود را ثابت کند.<sup>۱</sup>

بحث مربوط به مسئولیت فروشنده در زمینه خسارات ناشی از عیب کالا در محاکم آمریکا با دو برخورد مواجه شده است. برخوردی که فروشنده را مسئول نمی‌شمارد و عقیده دارد که فروشنده تنها واسطه بوده و خریدار نباید عرفاً به فروشنده‌ای که تنها واسطه فروش است اعتماد کند. یک نمونه از محاکمی که مسئولیتی متوجه فروشنده نمی‌داند رای‌ی است که در پرونده معروف **Greenman v. Yuba Power Product Inc.** (۱۹۶۳) صادر شده است. در این دعوا، مسئولیت محض برای تولیدکننده برای اولین بار صریحاً مورد حکم قرار گرفت. قضیه از

به نظر اکثریت محاکم، فروشنده نیز مانند تولیدکننده، مسئول خسارات ناشی از عیب کالای عرضه شده در فروشگاه است

محاکم به منظور تعیین مسئول جبران خسارت، ابتدا تلاش کردند که مبنای مسئولیت را در چهارچوب قرارداد بیابند

این قرار بود که همسر خواهان یک ماشین چوب ببری را از خرده فروشی می‌خرد و به شوهرش هدیه می‌دهد. دو ماه بعد از مصرف در اثر نقص موجود در کالا خواهان مجروح می‌شود. او علیه هر دو تولیدکننده و فروشنده اقامه دعوی مطالبه خسارت به استناد تقصیر خواندگان و تخلف از تضمین صریح و ضمنی سلامت کالا می‌نماید. دادگاه بدوی، دعوا بر خرده‌فروش بر مبنای تقصیر و تعهد صریح و ضمنی سلامت کالا را نمی‌پذیرد و اعلام می‌نماید که فروشنده تنها نقش واسطه را داشته و مسئولیت متوجه تولیدکننده اصلی ماشین است.<sup>۲</sup> از نظر پاره‌ای از حقوقدانان، «در مواردی که فروشنده کالا سازنده آن نیست و نقش واسطه را بین تولیدکننده و مصرف‌کننده دارد، به ویژه در جایی که کالا را سر بسته می‌فروشد، اصولاً نمی‌توان او را ضامن همه عیوب پنهانی کالا به حساب آورد. مسئولیت او تابع قواعد

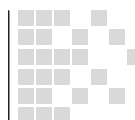
تسبیب و ضمان قهری است.»<sup>۳</sup> به نظر این افراد، هرگاه بطری نوشابه‌ای که فروشنده تنها واسطه فروش آن به خریدار است، به واسطه عیب پنهانی، در دست خریدار بشکند و او را مجروح سازد، نمی‌توان فروشنده را ضامن خسارات وارد بر خریدار شمرد و ادعا کرد که او به طور ضمنی سلامت نوشابه و ظرف آن را تضمین کرده است.<sup>۴</sup>

در مقابل این برخورد، نگاه دیگری نیز نسبت به موقعیت فروشنده از سوی اکثریت محاکم آمریکا وجود داشته است. به موجب این رویکرد، فروشنده هر چند وضعیت واسطه را دارد ولی به منظور حفظ حقوق مصرف‌کنندگان، مسئولیت خسارات ناشی از عیوب کالاها را نیز که صرفاً فروشنده آن‌ها بوده است و نه سازنده، برعهده دارد. به نظر این محاکم، مسئول شناختن فروشنده در این مورد، منجر به تضمین حقوق خریداران می‌شود چرا که در این صورت فروشندگان نیز سعی می‌کنند تا بهترین محصول را به بازار عرضه کنند. ضمن اینکه فروشنده نسبت به خریدار، توانایی و قدرت بیشتری برای اقامه دعوا علیه مسئول اصلی ورود خسارت یعنی تولیدکننده دارد.<sup>۵</sup>

در زمینه مسئولیت فروشنده در فروشگاه بزرگ، آراء مختلفی از سوی محاکم آمریکا در سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۰ صادر شده است. آراء محاکم در زمینه مسئولیت فروشنده در فروشگاه‌های بزرگ را ذیلاً به ترتیب زمانی، مطرح می‌نمایم تا به این ترتیب سیر تاریخی و ارتقاء نگاه محاکم را نیز متذکر شویم.

در سال ۱۹۴۶ دعوایی تحت عنوان **(Lasky v. Economy Grocery Stores)** در ایالت ماساچوست آمریکا (Massachusetts) طرح گردید. قضیه از این قرار بود که خواهان یک بطری نوشابه را از یکی از طبقات مغازه خوانده انتخاب کرد و پیش از آنکه آن را در سبد خرید قرار دهد بطری در دست او ترکید. خواهان مدعی بود که برداشتن کالا از روی قفسه‌ها به معنای تسلیم کالا از سوی فروشنده به او بوده لذا در زمان انفجار مسئولیت ضمنی فروشنده به قوت خود باقی بوده است.

با این استدلال که هیچ رابطه قراردادی بین طرفین در زمینه فروش نوشابه در زمان ترکیدن شیشه ایجاد نشده بود، دادگاه عالی قضایی ماساچوست اینطور تصمیم گرفت که تسلیم نوشابه به تنهایی برای انتقال مالکیت کافی نیست، و نمی‌توان تصور رابطه



دادگاه اینگونه استدلال کرد که از آنجایی که خواهان بطری‌ها را با این نیت که قیمت آن‌ها را به صندوق‌دار بپردازد به تصرف خود درآورده هیچ تعهدی به تسلیم کالا برای فروشنده متصور نخواهد بود. این بدان معناست که در این مورد، خریدار با برداشتن کالا در شرایطی که قصد قطعی بر پرداخت قیمت را نیز داشته است، قبولی بیع را محقق کرده و در عین حال به صورت همزمان مهمترین اثر بیع یعنی تسلیم و قبض کالا نیز محقق شده است. به این ترتیب فروشنده، دیگر تعهدی بر تسلیم مبیع به خریدار ندارد و در زمان ترکیدن شیشه‌های نوشابه، او مالک آن‌ها بوده است. لذا رابطه قراردادی خریدار و فروشنده، در زمان وقوع حادثه زیانبار، محقق و در نتیجه مسئولیت محرز است.

اختلاف نظری که بین محاکم مختلف در سال‌های مختلف دیده می‌شود، در این مقطع به دلیل اختلاف در زمان تحقق عقد و انتقال مالکیت مبیع است. هنوز نیز در زمینه زمان وقوع عقد بیع در فروشگاه‌های بزرگ، اتفاق نظری وجود ندارد. منتها همانطور که از آراء ذکر شده نیز می‌توان نتیجه گرفت، نظر اقوی اینست که برداشتن کالا از روی قفسه‌ها نمی‌تواند قبولی بیع تلقی شود حتی اگر این برداشتن، همراه با قصد و اراده پرداخت ثمن در مقابل میز محاسبه باشد. به این ترتیب، رای دادگاه کارولینای شمالی هرچند از نظر نتیجه مطلوب به نظر می‌رسد، ولی به لحاظ استدلال امروزه طرفداران زیادی ندارد. در سال‌های بعد دادگاه‌های آتی رسیدگی‌کننده به پرونده‌های مشابه، توانستند با استدلالاتی متفاوت، به نتیجه مورد نظر دادگاه فوق برسند.

در سال ۱۹۷۴ دادگاه استیناف مریلند (Maryland) در دعوی به نام Sheeskin (V. Giant Food Inc.) با یک استدلال محکم و قوی، به همان نتیجه‌ای رسید که دادگاه رسیدگی‌کننده به قضیه Gillespie به آن رسیده بود. ماجرا به این ترتیب بود که خواهان در حال حمل شش کارتن نوشیدنی از قفسه به داخل چرخ در یکی از فروشگاه‌های مواد غذایی خوانده بوده است. یکی یا تعداد بیشتری از بطری‌ها ترکیده و منجر به افتادن خواهان بر روی زمین و صدمه دیدن او گردید. خواهان خواستار جبران خسارات وارد بر خود به استناد اولاً فرض تقصیر فروشنده و ثانیاً نقض شرط ضمنی ناشی از قرارداد شد.

قاضی بدوی رسیدگی‌کننده، حکم به نفع

که تا اواسط قرن بیستم، از نظر محاکم، مسئولیت فروشنده، محدود به چهارچوب قرارداد بوده است. و نتایج قانونی مترتب بر بیع کالا نیز زمانی جاری می‌شده که کالا به صورت قطعی و مسلم انتقال پیدا کرده باشد. در هر سه مورد، محاکم اینگونه تشخیص دادند که هیچ توافقی قبل از حدوث واقعه زیانبار وجود نداشته است چرا که از دید آن‌ها، فروشنده، تا قبل از پرداخت ثمن از جانب خریدار، اراده قطعی بر فروش نداشته است و در نتیجه «انتقال کالا به خریدار تا زمان پرداخت ثمن به فروشنده محقق نشده است»<sup>۱۱</sup>. و به این ترتیب برداشتن کالا هرچند در ظاهر می‌تواند تسلیم کالا توسط خریدار تلقی شود ولی تا قبل از پرداخت ثمن، اثر حقوقی خاصی به وجود نمی‌آورد. یعنی در فرض ما منتهی به وجود یک شرط ضمنی مبنی بر سلامت کالا نبوده و لذا در فرض ترکیدن بطری‌های حاوی نوشابه و ورود خسارت به خریدار،

**گام نخست در اثبات مسئولیت فروشنده، استناد به نقض شرط ضمنی قراردادی مربوط به سلامت مبیع بود.**

**به نظر برخی قضات، نقض شرط ضمنی قراردادی، در مواردی، پیش از انعقاد قرارداد نیز میتواند به فروشنده منتسب شود.**

برای فروشنده مسئولیت‌آور نخواهد بود. دادگاه تجدید نظر کارولینای شمالی (North Carolina) در سال ۱۹۷۲ نظریه دیگری ابراز داشت. در دعوی موسوم به Gillespie v. Grate Atlantic) & Pacific Tea Co خواهان زمانی که می‌خواست دو عدد بطری نوشابه غیرالکلی را به سمت پیشخوان منتقل کند، به دلیل ترکیدن آن‌ها، از ناحیه مچ دچار آسیب‌دیدگی شد. دادگاه تجدید نظر اعلام نمود که، مدرک ارائه شده، مثبت وجود قرارداد در زمان آسیب‌دیدگی بوده است و لذا مسئولیت فروشنده مبنی بر تضمین سلامت کالا محرز است. «تا زمانی که خریدار جنس را در تصرف خود دارد و تصمیم پرداخت ثمن معامله را نیز دارد، او مالک محصول است. سهم فروشنده در این رابطه بیشتر از اجبار خریدار به تادیه ثمن نیست»<sup>۱۲</sup>

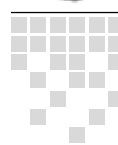
قراردادی‌ای بین فروشنده و خریدار در زمان وقوع حادثه زیان بار گردید و به همین دلیل مسئولیتی متوجه فروشنده نیست.<sup>۷</sup>

چنانچه ملاحظه می‌شود در این پرونده وجود مسئولیت برای فروشنده در فرض ترکیدن نوشابه‌ای که تولیدکننده آن کارخانه دیگری است، به صورت مسلم فرض شده است و تنها در تشخیص اینکه آیا در لحظه فروش رابطه قراردادی بین خریدار و فروشنده وجود داشته، بحث شده است. به نظر می‌رسد دادگاه رسیدگی‌کننده با استناد به تعهد ضمنی فروشنده به عرضه کالای سالم، در صدد احراز مسئولیت ضمنی فروشنده بوده مسئولیتی که در فرض وجود، از قرارداد فروش ناشی خواهد شد. ولی به دلیل عدم احراز تحقق بیع قبل از ترکیدن بطری، قراردادی محرز نشده و مسئولیت قراردادی ای هم قابل انتساب به فروشنده نبوده است.

دادگاه عالی پنسیلوانیا (Pennsylvania) نیز در سال ۱۹۴۹ نتیجه مشابهی را در دعوی (Loch V. Confair) اتخاذ نمود. در این دعوا خواهان درست در زمانی که شوهرش تصمیم داشت که بطری نوشیدنی‌ها را در سبد قرار دهد به دلیل انفجار شیشه‌ها به شدت زخمی شد. خواهان مدعی جبران خسارات ناشی از صدمات وارد بر خود بود با این استدلال که در یک فروشگاه با سرویس آزاد، انتقال مالکیت مبیع در زمان انتخاب کالا از روی قفسه محقق می‌شود و تا زمان پرداخت به تعویق نمی‌افتد. دادگاه با توجه به تصمیم دادگاه ماساچوست در پرونده Lasky اینطور نتیجه‌گیری کرد که از آنجایی که هیچ مالکیتی در زمان وقوع حادثه زیانبار منتقل نشده بود، بنابراین در لحظه وقوع حادثه زیانبار، نه بیع حال<sup>۸</sup> محقق شده و نه بیع موجد<sup>۹</sup> و به این ترتیب هیچ مسئولیتی متوجه خوانده نیست و خواهان محکوم به بی‌حقی است.

دعوی مشابه (Day v. Grand Union Co.) در سال ۱۹۵۲ طرح گردید. در این دعوا، خواهان، بطری نوشابه را از روی قفسه فروشگاه برداشت و به دلیل شکستن بطری در دستش دچار آسیب دیدگی شد. دادگاه استیناف نیویورک اعلام نمود که هیچ شرط ضمنی خاصی نقض نشده است چرا که در زمان جراحات هیچ قرارداد مصرفی در زمینه فروش منعقد نشده بود. این بدان معناست که در زمان وقوع حادثه، خواهان هنوز بطری را نخریده و فروشگاه هم آن را نفروخته بوده است.<sup>۱۰</sup> با عنایت به این سه تصمیم، روشن می‌شود





خوانندگان دعوا صادر نمود. دادگاه تجدید نظر حکم صادره را نسبت به فروشگاه تایید نمود. بعد از ارجاعات مختلف، در نهایت دادگاه تالی جدیدی که به قضیه رسیدگی می‌کرد اعلام نمود که «در فروشگاه با سرویس آزاد، قرارداد تا زمانی که کالاها به بخش صندوق برسند و پرداخت ثمن از سوی خریدار صورت بگیرد، محقق نخواهد شد.» به این ترتیب به نظر این دادگاه اولاً قرارداد در این نوع از فروش در مقابل میز محاسبه منعقد می‌شود. ثانیاً هرچند در این فرض، قرارداد در مقابل صندوق منعقد می‌شود ولی در دعوی که دادگاه مسئول رسیدگی به سلامت کالا است، زمان انعقاد قرارداد در جریان مسئولیت فروشنده، علی‌الاصول، نباید تأثیری داشته باشد. بلکه آنچه مهم و مؤثر است، آن است که کالا قابلیت استفاده متعارف خریدار را نداشته است و این ناتوانی تا زمان انعقاد قرارداد هم ادامه می‌یافته است. لذا شرط ضمنی فوق، در این فرض جاری است و فروشنده مسئول خسارات وارد بر خریدار است. رای دادگاه استیناف مریلند در دعوی Sheeskin به شرح زیر اعلام شد:

«واضح است که قوطی‌های کوکا کولا که در جابه‌جایی معمولی می‌شکنند، برای استفاده معمولی که پیش‌بینی می‌شده است

مناسب نیستند. بنابراین مدارک کافی وجود دارد تا نشان داده شود که زمانی که بطری‌ها از کنترل فروشنده خارج می‌شوند نیز، از شرط مربوط به تضمین کارایی و تناسب با هدف نوعی کالا تخلف خواهد شد و نقض همین تعهد ضمنی، باعث بروز خسارت به مشتری شده است.»<sup>۱۳</sup>

استدلال دادگاه مریلند، توسط دادگاه تجدید نظر جورجیا، در دعوی (Fender v. Colonial stores Inc.) در سال ۱۹۷۹ تایید شد. خواهان این دعوا خریدار یکی از فروشگاه‌های با سرویس آزاد بود. بعد از ورود به فروشگاه او چرخ دستی مخصوص خرید را برداشته و کالاهای مورد نیازش را در آن قرار داد. وقتی به کنار صندوق رسید شروع به تخلیه چرخ نمود. در زمانی که جعبه حاوی نوشابه را بر روی میز می‌گذاشت یکی

**گام بعدی، به منظور تسهیل انتساب مسئولیت به فروشنده، خروج از دامنه مسئولیت قراردادی بود.**

**به هدف توزیع عادلانه بار اثبات مسئولیت، دادگاه‌ها تقصیر فروشنده را در شرایط خاصی محرز دانستند.**



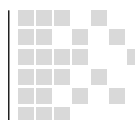
از شیشه‌های نوشابه ترکیب و باعث ورود ضرر به او گردید. دعوای مطروحه در زمینه خسارات وارد بر خریدار و علیه شرکت سازنده نوشابه و همچنین فروشگاه بزرگ عرضه‌کننده محصول طرح شد.

خواهان دو دعوای متفاوت علیه عرضه‌کننده (فروشگاه) و تولیدکننده (شرکت سازنده محصول) طرح کرد و مستند ادعای خودش را در مورد هر یک از آن‌ها یک نظریه، قرار داد. در مورد عرضه‌کننده به دو اصل اشاره کرد: یکی نقض «شرط ضمنی مربوط به تضمین کارایی و تناسب با هدف نوعی کالا» بود و دیگری «فرض تقصیر» عرضه‌کننده. و در مورد تولیدکننده، هم نظریه «فرض تقصیر» را طرح نمود و هم بحث «مسئولیت محض» را. بحث مربوط به مسئولیت کارخانه تولیدکننده شیشه نوشابه به مسئولیت ناشی از عیب تولید برمی‌گردد که از بحث مقاله حاضر خارج است ولی در زمینه مسئولیت فروشنده، بر اساس اصول کامن لا و قانون متحدالشکل فروش، دادگاه بایستی تصمیم می‌گرفت که صرف نظر از اینکه آن جنس واقعاً از فروشنده به خریدار منتقل شده یا نشده باشد، آیا مسئولیتی در زمان وقوع حادثه زیانبار بر عهده فروشنده مستقر بوده است؟

فروشنده چنین استدلال می‌کرد که تا قبل از پرداخت ثمن، قرارداد فروش کالا محقق نخواهد شد زیرا خریدار در این فروشگاه‌ها امکان نامحدود بازگرداندن کالا را به طبقات در هر زمان قبل از اینکه قرارداد قطعی شود، دارد.

دادگاه در این مورد رای به مسئولیت فروشنده به دلیل نقض شرط ضمنی مربوط به تضمین کارایی و تناسب کالا با هدف نوعی خریدار داد. البته این دادگاه، یکبار دیگر از نظری تبیین کرد که به موجب آن، بیع در مقابل قفسه‌ها و با برداشتن کالا توسط خریدار منعقد می‌شود. در این زمینه اعلام شد: «در فروشگاه با سرویس آزاد، قرارداد فروش کالا زمانی منعقد می‌شود که خریدار ایجاب فروشنده را با ابراز قبولی خود با اعمال تصرف فیزیکی بر مال موضوع قرارداد اعلام می‌نماید و اینکه فروشنده به مشتری اجازه می‌دهد که نظرش را تغییر دهد، نشان‌دهنده وجود یک توافق میان طرفین است، که به موجب آن مشتری اجازه دارد قرارداد را فسخ کند بدون اینکه چنین حقی برای فروشنده موجود باشد.»

در عین حال در زمینه دامنه نفوذ شرط



نمی‌کند و نباید هم بکند. هدف از تاسیس این قسم فروشگاه‌ها این بود و هست که خریدار تمام تمرکزش بر روی قفسه‌ها باشد چرا که فروشگاه‌ها برای بدست آوردن سود بیشتر حتی کارمندان زیادی که بتوانند خواسته‌های خریداران را برآورده کنند در اختیار ندارند پس این خود خریدار است که باید به دنبال کالای مورد نظرش بگردد و همه آنچه می‌خواهد را با دقت انتخاب نماید و در این صورت نمی‌توان از او توقع داشت که تمرکزش بر روی زمین باشد. از سوی دیگر، او با آشنایی که به سیستم فروش در فروشگاه‌های بزرگ دارد نباید از حقیقت و طبیعت این گونه فروشگاه‌ها غفلت کند و بایستی دقت کافی و مناسب با شرایط این نوع فروش را مبذول دارد.

به طور کلی قضاوت محاکم در اکثریت مواقع اینگونه بود که خریدار با مشاهده نکردن شیء ناچیز و غیر محسوسی که بر روی زمین افتاده و موجب لغزش و در نهایت سقوط او شده است، مرتکب بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی نشده است<sup>۱۷</sup> بلکه بر عکس خریدار باید با این تصور باشد که فضای امن و مناسبی برای عبور او تأمین شده است.<sup>۱۸</sup> مطمئناً از خریدار ایمن انتظار نمی‌رود که در موقع خرید از یک فروشگاه بزرگ، قبل از تک تک گام‌هایی که برمی‌دارد، به شرایط زمین توجه خاص مبذول نماید.<sup>۱۹</sup>

این آراء مبین این امر بودند که مسئولیت، به دلیل اطلاع فروشنده، از شرایط مخاطره‌آمیزی که به وجود آورده، بر عهده او مستقر می‌شود و در عین حال در مواردی که ورود صدمه به دلیل خطری که کاملاً واضح و آشکار بوده و یا اینکه خریدار از آن مطلع بوده، باشد، فروشنده مسئولیتی نخواهد داشت. به این ترتیب هرچند فروشنده موظف است سلامت افراد حاضر در فروشگاه را تأمین کند، خریداران نیز باید مواظب سلامت و امنیت خود باشند.<sup>۲۰</sup> به این ترتیب در این نوع از دعاوی، علیرغم اختلاف نظرانی که در بدو امر وجود داشتند، نگاه جانبدارانه به وضعیت خریدار از ابتدا وجود داشت و همین نگاه هم در نهایت منتهی به ایجاد مسئولیت نوعی و محض برای فروشنده شد. در ادامه سیر صعودی رویه قضایی آمریکا را در این رابطه بیان می‌نماییم. برای حمایت از خریدار صدمه دیده ابتدائاً اصل بر این نهاده شد که هرگاه خریدار به واسطه وجود یک شیء خارجی در محوطه

تدریج این فکر رونق می‌گیرد که «به جای کاوش در مورد تقصیری که سازنده کالای معیوب مرتکب شده، او به طور کلی ضامن ایمنی فرآورده‌های خود باشد. در این صورت هر تولیدکننده و عرضه‌کننده‌ای سعی خواهد کرد که بهترین محصول را به بازار عرضه کند و مصرف‌کننده نیز می‌تواند آسوده خاطر به سلامت و بی‌خطری کالاهای مصرفی اعتماد کند.»<sup>۱۶</sup> این نگاه، در نهایت و به مرور منجر به ایجاد مسئولیت نوعی یا محض برای فروشندگان شد.

### بخش دوم) دعاوی مربوط به خسارات ناشی از لغزش و سقوط خریدار در فروشگاه

بعد از ورود فروشگاه‌های بزرگ به سیستم زندگی افراد، به مرور دعاوی مربوط به جبران خساراتی که در زمان حضور خریداران در فروشگاه، به آن‌ها وارد می‌شد، به شدت طرح

پاره ای از محاکم در راستای حمایت از مصرف کننده برای محض شناسایی کردند.

مسئولیت فروشنده در زمینه خسارات ناشی از لغزش و سقوط، ابتدائاً در قالب مسئولیت مبتنی بر تقصیر طرح گردید.

گردید و آراء متفاوت و بعضاً متناقضی از سوی محاکم صادر گردید. استدلال‌ات گوناگونی نیز در تایید یا رد مسئولیت فروشنده فروشگاه‌های بزرگ، از سوی محاکم طرح می‌شد. به عنوان مثال بیان می‌شد که خریداری که وارد یک فروشگاه می‌شود طبق شرایط جدید حاکم بر خرید دیگر مانند یک فرد متخصص عمل می‌کند، از میان قفسه‌ها عبور می‌کند و کالاهایی که می‌خواهد را انتخاب می‌نماید. در این صورت به چه دلیل مسئولیتی که بر ذمه فروشندگان این قسم فروشگاه‌ها گذاشته می‌شود سنگین‌تر از مسئولیت فروشندگان در فروشگاه‌های معمولی است؟

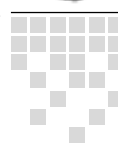
با همین مبنا استدلال‌ات عکس از سوی برخی محاکم دیگر، مطرح می‌شد به این صورت که، در این قسم از فروشگاه، بیشتر تمرکز خریدار بر روی قفسه‌ها است و او به آنچه بر روی زمین قرار داده شده توجه

ضمنی «تضمین کارایی و تناسب با هدف نوعی کالا» نظر دادگاه مریلند مورد تایید این دادگاه قرار گرفته و اعلام شد: «برای اینکه شرط ضمنی مربوط به تضمین کارایی و تناسب با هدف نوعی کالا را جاری بدانیم نیازی به وقوع قرارداد و انتقال مالکیت نیست بلکه همین که معلوم شود کالایی از چنین قابلیت‌های برخوردار نیست، کفایت می‌کند حتی در فرضی که هنوز قرارداد منعقد نشده باشد.»<sup>۱۴</sup>

چنانکه ملاحظه می‌شود، دادگاه‌ها در این مقطع متمایل شدند تا از دامنه قرارداد خارج شده و مسئولیت را در فرضی که قرارداد هنوز منعقد نشده است نیز جاری بدانند. به این ترتیب مسئولیت قراردادی به سمت مسئولیت قهری هدایت شد. رویه محاکم این بود که تضمین ضمنی سلامت مبیع، دیگر، از شروط عقد و بخشی از اساس تراضی تلقی نشود که محدود به طرفین قرارداد شود. به این ترتیب «اگر خریدار به صراحت یا به طور ضمنی هدف ویژه خود را از خرید کالا و انتظاری را که از آن دارد به فروشنده اطلاع دهد، و به نظر رسد که به مهارت و بصیرت او اعتماد کرده است، تضمین ضمنی نسبت به کارایی و تناسب عرفی کالا با آن هدف، محسوب می‌شود.»<sup>۱۵</sup>

در سال‌های بعد محاکم با این حقیقت مواجه شدند که در اثبات شرایط تحقق مسئولیت قراردادی، اثبات تقصیر فروشنده برای مصرف‌کننده اگر محال نباشد با مشکلات و سختی‌های بسیاری همراه است. به همین دلیل محاکم به سمت اتخاذ فرض تقصیر برای فروشنده برآمدند. قاعده‌ای که به موجب آن هرگونه صدمه‌ای به مصرف‌کننده نشانه تقصیر فروشنده است. فروشنده یک کالای معیوب، همین که آن را در فروشگاه خود عرضه می‌کند، خطایی مرتکب شده که باید از عهده تبعات آن بر بیاید. همه تلاش دادگاه‌های آمریکا در این دعاوی این بود که بار اثبات دلیل را از دوش خواهان زیان‌دیده که توان و شرایط مشابه خوانده برای اثبات بی‌احتیاطی و تقصیر او ندارد، بردارند. در واقع توزیع بار اثبات دلیل به صورت عادلانه از اهداف دادگاه‌ها بود که بالاخره به آن رسیدند.

در راستای این هدف، بسیاری از حقوق‌دانان مسئول شناختن فروشنده بر مبنای تقصیر را کافی ندانستند و اعلام کردند سرمایه‌داران بزرگ، از محیط خطرناکی که ایجاد کرده‌اند، سود می‌برند ولی به دلیل سختی اثبات تقصیرشان از جبران زیان‌هایی که به بار آورده‌اند معاف می‌شوند. لذا به



مخصوص تردد خریداران، سقوط کرده یا صدمه ببیند، فروشنده مسئول جبران خسارات وارد بر او است اگر خریدار بتواند ثابت کند که (الف) شیء عامل سقوط از سر بی احتیاطی به وسیله فروشنده در آن مکان قرار گرفته است. و یا (ب) فروشنده از وجود آن شیء در آن مکان مطلع بوده ولی تلاش متعارف برای جابه‌جایی آن از خود نشان نداده و یا اینکه (ج) شیء حادثه‌آفرین، برای مدت زمانی نسبتاً طولانی در آن مکان قرار داشته و فروشنده با یک دقت متعارف می‌توانسته از وجود آن مطلع شود و آن را جابه‌جا نماید.<sup>۲۱</sup>

چنانچه ملاحظه می‌شود مسئولیت در زمینه سقوط و بروز خسارت در فروشگاه‌های بزرگ، ابتدائاً در قالب مسئولیت مبتنی بر تقصیر فروشنده، طرح گردید. نظریه تقصیر در آن دوره هنوز از اهمیت و ارزش بسیاری برخوردار بود و این خریدار بود که به سختی باید تقصیر فروشنده را به اثبات می‌رساند تا بتواند خسارت خود را دریافت دارد.

خانم بریتی جکسن در یکی از روزهایی که در حال خرید از فروشگاه با سرویس آزاد «کی مارت»<sup>۲۲</sup> بود، دچار حادثه شد. زمانی که او در قسمت لباس‌های کودکان در حال چرخیدن بود به دلیل وجود مقداری آبمیوه که بر روی زمین ریخته بود، سرخورد و به زمین افتاد. او بعداً این فروشگاه را با این ادعا که نسبت به حفظ سلامتی مشتریان مسئول است مورد تعقیب قرار داد. در دادگاه بدوی رسیدگی‌کننده اعلام شد که کودکی یک قوطی محتوی آبمیوه از یکی از بخش‌های داخلی فروشگاه بزرگ خریداری کرده و آن را با خود به قسمت پوشاک کودکان آورده است. بنابراین، از آنجا که معلوم نبود که چه کسی آبمیوه را به زمین ریخته و یا اینکه چه مدتی آبمیوه بر روی زمین بوده، مسئولیتی متوجه فروشگاه نیست. در دادگاه استیناف، خواهان ادعا کرد که فروشگاه برای صدماتی که به او وارد شده مسئول است چرا که زمینه برای لغزش و سقوط او را از طریق ایجاد بخشی در داخل فروشگاه که آب میوه می‌فروخته فراهم آورده است. او عقیده داشت که او نایستی ثابت کند که فروشگاه می‌دانسته یا باید می‌دانسته که چه خطر بخصوصی باعث حادثه شده است. دادگاه استیناف این استدلال را قانع‌کننده خواند و پرونده را برای بررسی این موضوع که آیا نحوه عملکرد فروشگاه به گونه‌ای بوده که ایجاد شرایط خطرناک کند و اگر چنین بوده آیا طبق اوضاع و احوال قضیه

فروشگاه از انجام دقت کافی و لازم، برای جلوگیری از ضرر خریدار غفلت کرده است، به دادگاه تالی عودت داد.<sup>۲۳</sup>

با اتخاذ چنین رویه‌هایی، دادگاه‌ها آرام آرام، شیوه سنتی اثبات مسئولیت فروشنده فروشگاه‌های بزرگ را، تغییر دادند. تا آن زمان خریدار باید ثابت می‌کرد که متصدی فروشگاه یا موجب ایجاد شرایط خطرناکی شده که باعث ورود ضرر گردیده و یا اینکه از شرایط خطرناکی که ایجاد شده مطلع بوده ولی برای رفع آن دقت کافی مبذول نداشته است. در حالی که در شرایط جدید، با ظهور نظریه ایجاد خطر، برای فروشنده به سبب فضای خطرناکی که ایجاد کرده یا سودی که می‌برد، فرض تقصیر می‌شود و خریدار دیگر نیازی به اثبات امور فوق نداشت.

البته چنانچه حقوقدانان ما نیز بیان داشته‌اند، نظریه ایجاد خطر، به مفهوم مطلقش مورد پیروی قرار نگرفت و کسانی که مایل

**محاکم به سرعت دریافته‌اند که اثبات تقصیر فروشنده، برای خریدار، اگر محال نباشد، بسیار سخت خواهد بود.**

**رویه محاکم به منظور تعیین مسئولیت فروشنده، آرام آرام، به سمت پیروی از نظریه ایجاد خطر، هدایت شد.**

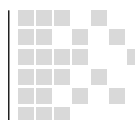
بودند لزوم تقصیر در مسئولیت را انکار کنند، نظریه ایجاد خطر را با پاره‌ای اصلاحات پذیرفتند. گروهی اظهار داشتند که فعالیتی موجب ایجاد مسئولیت می‌شود که نامتعارف و غیرعادی باشد. بعضی دیگر نیز در صورتی ایجاد خطر را مبنای مسئولیت شمرده‌اند که شخص از آن انتفاع ببرد و برای تحصیل سود محیط خطرناک را به وجود بیاورد. در نهایت گروه دیگر نظریه خطر را زمانی اجرا می‌کنند که از وسیله خطرناکی مانند اتومبیل استفاده شده باشد.<sup>۲۴</sup>

محاکم کامن لو در ادامه تلاش کردند تا در شرایط خاصی، تقصیر فروشنده را مفروض بدانند و خریدار را از اثبات تقصیر او معاف نمایند. در اقدام اول تلاش شد تا «معیار دقت»<sup>۲۵</sup> برای فروشنده در نظر گرفته شود. استدلالی که ابراز می‌شد این بود که به دلیل اینکه متصدیان از مراجعه خریداران سود می‌برند، بایستی به منظور حفظ سلامت مراجعین و

عدم ورود خسارات بر آن‌ها، دقت کافی، مبذول می‌داشتند تا با تقصیر و بی‌احتیاطی، به آن‌ها صدمه نزنند. و در صورتی که چنین دقتی وجود نداشت، آن‌ها مقصر و مسئول جبران خسارات خریدار شناخته می‌شدند.

علاوه بر این، آن‌ها بایستی مراجعین خود را از خطراتی که آن‌ها را تهدید می‌کند مطلع می‌ساختند و برای کشف شرایط خطرناک دیگری که پیش روی آن‌ها بود، همواره بررسی‌های لازم را انجام می‌دادند. به عنوان یک قاعده کلی، متصدیان بایستی دقت متعارف و معمول برای حفظ شرایط امن و مناسب برای سلامتی مراجعین را می‌نمودند. همه دادگاه‌ها متفق بودند بر اینکه متصدیان فروشگاه‌های بزرگ باید این حد ابتدایی از دقت را در فعالیت اقتصادی‌شان داشته باشند تا جلوی همه شرایط خطرناک را از جمله شرایط خطرناک بالقوه شامل عیوب ساختاری مانند لق شدن کاشی یا قفسه‌های متزلزل و عیوب مقطعی مانند ریختن آب یا سقوط کالا بر روی زمین می‌شود، بگیرند. با این طرز تفکر دادگاه‌ها به سمت تفسیر معیار عمومی دقت به این ترتیب برآمدند که فروشندگان بایستی به صورت متعارف رفتار کنند اما نه فقط در این راستا که از ایجاد شرایط خطرناک اجتناب کنند بلکه آن‌ها بایستی خطراتی که به وسیله سایر مشتریان ایجاد شده است را نیز رفع کنند. بعضی از دادگاه‌ها تا بدانجا پیش رفتند که اعلام کردند فروشنده بایستی کالاها را به شیوه‌ای عرضه نماید که احتمال ایجاد شرایط خطرناک را به حداقل برساند.<sup>۲۶</sup>

با نگاه جدیدی که ایجاد شده بود، محاکم در پرونده‌های مشابه به دنبال کشف این موضوع بودند که آیا فروشنده معیارهای اولیه دقت را مبذول داشته است یا نه؟ در اکثر محاکمی که این قاعده را اعمال می‌کردند متصدی فروشگاه در صورتی که خودش یا کارمندش شرایط خطرناکی را به وجود می‌آوردند یا اینکه از خطر مطلع بوده و اقدامات لازم به منظور جلوگیری از بروز خسارت را ننموده بود، مقصر و مسئول شناخته می‌شد. به این ترتیب، اثبات مسئولیت فروشنده در مواردی که معلوم نبود چه کسی شرایط خطرناک را ایجاد کرده با مشکلاتی مواجه می‌شد. به عنوان مثال در دعوی موسوم به (Casciaro v. Great Atl. & Pac. Tea Co.) خواهان به دلیل سقوط بر روی جعبه‌هایی که در راهروهای فروشگاه خوانده قرار داده شده بودند، مطالبه خسارت کرده بود. اما به این





دادگاه‌های زیادی در راستای اثبات اهمال و تقصیر فروشنده، در دعوی مسئولیت، در شرایطی خاص، بی‌احتیاطی فروشنده را محرز اعلام کردند و در نتیجه خریدار صدمه دیده، دیگر نیازی به اثبات تقصیر فروشنده نداشت، هرگاه عامل سقوط او بر روی زمین همین بی‌احتیاطی خاص بود. به عنوان مثال، دادگاه‌ها برای دو فرض زیر رای به مسئولیت فروشنده، به استناد فرض تقصیر او دادند: وقتی که خریدار به دلیل عرضه هندوانه در ورودی یکی از راهروهای فروشگاه به زمین افتاد<sup>۳۲</sup>، و همچنین وقتی که او به دلیل قدم نهادن بر روی محوطه‌ای خیس به زمین افتاد و دلیل سقوط او تکه‌ای یخ بود که از درون ظرف حاوی سبزیجات، به روی زمین افتاده و زمین را لغزنده کرده بود.<sup>۳۳</sup>

در اعمال این اصل، بعضی محاکم یا را فراتر گذاشتند و در فرضی که شیوه عرضه یا بسته‌بندی محصولات عرضه شده به گونه‌ای بود که یکی از خریداران به راحتی می‌توانست شرایط خطرناک نامتعارفی را برای دیگری به وجود بیاورد، مسئولیت فروشنده را محرز دانستند.<sup>۳۴</sup>

در واقع نتیجه اعمال مستقیم قاعده موجود در زمینه بی‌احتیاطی، به این صورت بود که: فروشنده، به عنوان یک شخص متعارف، باید پیش‌بینی نماید که نحوه عرضه کالا می‌تواند با رفتارهای متعارف خریداران برای جستجوی کالای مورد نظرشان، خطرناک باشد. در این فرض دادگاه برای فروشنده، «تعهد به دقت»<sup>۳۵</sup> ایجاد می‌کرد و به دلیل برآورده نکردن تعهدش او را مسئول می‌شناخت. مثلاً

بداند که خریدار تمام تمرکزش را به قفسه‌ها می‌دهد.<sup>۳۰</sup> یا اینکه فروشندگان به دو دلیل باید مسئولیت بیشتری داشته باشند، یکی به دلیل اینکه آن‌ها توانایی بیشتری دارند تا از بروز خطرات جلوگیری کنند و دوم اینکه بعد از بروز حادثه زیان‌آور این فروشگاه است که با سوال و مصاحبه از افرادی که در حوالی محل وقوع حادثه بودند می‌تواند حقیقت ماجرا را کشف کند و خریدار از چنین وسعت عملکردی برخوردار نیست.<sup>۳۱</sup>

به این ترتیب رویه محاکم به این سمت کشیده شد که تقصیر فروشنده را در فرضی که او احتیاط‌های معمول برای حفظ امنیت جانی خریداران را نکرده است، مفروض بدانند. شاید بتوان اهمال و بی‌احتیاطی فروشنده که منجر به ایجاد فرض تقصیر برای او شود، در دو حوزه تقسیم کرد:

## ۱. اهمال در عرضه یا بسته‌بندی کالاها

در گروهی از دعاوی، دادگاه‌ها به سمت تحقیق راجع به نحوه عرضه کالاها بر روی قفسه‌های فروشگاه رفتند و در دسته دیگر به بررسی این موضوع پرداختند که آیا فروشنده دقت کافی برای کشف شرایط خطرناک کرده است یا نه. در هر دوی این گروه دعاوی دادگاه‌ها سعی کردند تشخیص دهند که آیا فروشنده با توجه به شرایط تجاری و کاری اش انتخاب‌های متعارفی در بکارگیری لوازم در داخل فروشگاه داشته است؟ به این ترتیب دادگاه‌ها موفق شدند که دامنه وسیع‌تری از مسئولیت را برای فروشنده ایجاد کنند.

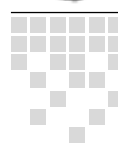
دلیل که نتوانست ثابت کند که جعبه‌ها به وسیله کارگران شرکت خوانده در آن محل قرار گرفته‌اند محکوم به بی‌حقی شد.<sup>۲۷</sup> به دلیل مشکل بودن اثبات این امر که فروشنده شرایط خطرناک را ایجاد کرده است، محاکم به این نظر متمایل شدند که هرگاه خواهان زیان‌دیده در دعوی علیه فروشنده بتواند ثابت کند که او از شرایط خطرناک ایجاد شده اطلاع حقیقی و کاربردی داشته و از انجام هر اقدام متعارفی برای رفع آن خودداری کرده است، باز هم می‌توان حکم به سود خواهان زیان‌دیده صادر نمود.

در مرحله بعدی بعضی محاکم بکارگیری این معیار دقت را نیز برای حفظ حقوق خریدار، کافی ندانستند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌داد که قاعده سنتی، مربوط به زمانی بوده که دادگاه‌ها از خطری که در شرایط جدید خرید در فروشگاه‌های بزرگ، خریداران را تهدید می‌کند، مطلع نبوده‌اند. باید قاعده جدیدی وضع می‌شد که احتمال بالای وقوع ضرر و زیان به خریداران را که یکی از مشخصه‌های ذاتی فروشگاه‌های بزرگ است درک کند. فروشگاه‌های جدید مملو از جنس هستند، با خریدارانی که هر کدام مانند یک فروشنده حرفه‌ای مشغول بررسی و خرید است. در نتیجه احتمال اینکه کالایی به علت بی‌دقتی خریدار یا کارمند فروشنده بر روی زمین بیفتد، بسیار زیاد است.<sup>۳۸</sup> دادگاه‌های زیادی اعلام کردند که خریداران فروشگاه‌های جدید آسیب‌پذیرتر از خریداران فروشگاه‌های کوچک گذشته، هستند چرا که چاره‌ای ندارند جز اینکه مانند یک فروشنده حرفه‌ای عمل

**مسئولیت فروشنده در شرایطی که او احتیاط‌های لازم را به منظور حفظ امنیت خریداران نکرده، مفروض شناخته شد.**

**در مواردی که فروشنده در نحوه عرضه کالا، بی‌احتیاطی می‌نمود دیگر خریدار زیان‌دیده، نیازی به اثبات تقصیر او نداشت**

کنند و تمرکزشان را معطوف به قفسه‌ها کنند و نه بر روی زمین.<sup>۳۹</sup> در مواردی استدلال شد که خریدار فروشگاه بزرگ حق دارد فرض کند که راهروهای فروشگاه از شرایط خطرناک دور است چرا که علی‌القاعده فروشنده باید



در پرونده‌ای، خواهان به خاطر قدم گذاشتن بر روی توت فرنگی‌هایی که بر روی زمین افتاده بودند به زمین افتاد. دادگاه بعداً متوجه شد که نحوه عرضه توت فرنگی در این فروشگاه با بی‌احتیاطی فروشنده همراه بوده است چرا که خریداران توت فرنگی‌ها را از درون ظرفی با قاشق به داخل یک ظرف سرباز می‌ریختند و به راحتی ممکن بود هر خریداری تعدادی توت فرنگی بر روی زمین بیندازد.<sup>۳۲</sup> در نتیجه در این پرونده نیز حکم به مسئولیت فروشگاه داده شد.

در پرونده‌های دیگر، دادگاه وقتی متوجه شد که نحوه خرید لوبیای سبز در فروشگاه خوانده به گونه‌ای است که خریداران باید لوبیاها را در دست گرفته و به سمت محل توزین ببرند، اعلام کرد که نیازی نیست که خواهان ثابت نماید زمین برای مدتی طولانی در شرایط خطرناکی بوده است. بلکه نحوه توزین لوبیا نشان می‌دهد که فروشنده محیط خطرناکی را ایجاد نموده که منتهی به ورود خسارت به خریدار شده است.<sup>۳۳</sup>

همچنین در سال ۱۹۵۲ در دعوی دیگری اینگونه رای داده شد که فروشگاه باید این امکان که سایر خریداران حاضر در فروشگاه، ظرف محتوی سبزی را به زمین انداخته و موجبات سقوط خریداران دیگر و در نتیجه ورود ضرر به آن‌ها را فراهم می‌آورند، در نظر بگیرد.<sup>۳۴</sup> مشابه همین رای هفت سال بعد در پرونده دیگری اعلام شد: دادگاه اظهار داشت که طبق مدارکی که خواننده خود در میان توضیحاتش ارائه نموده، نحوه پرکردن مجدد ظروف حاوی سبزی در فروشگاه خواننده، برای دادگاه با توجه به اوضاع و احوال قضیه، ادله کافی، به وجود آورده تا تصمیم بگیرد که علت سقوط خواهان بر روی زمین، شرایط خاصی بوده که خواننده در نحوه پرکردن مجدد سبزیجات در فروشگاه خود پیش گرفته است. این روش به راحتی سبب سقوط تعدادی از مواد بر روی زمین شده و نتیجتاً باعث ایجاد خطر برای خریداران از جمله خواهان در دعوی مذکور می‌گردد.<sup>۳۵</sup>

## ۲. اهمال در بررسی یا تمیز کردن

گروهی از دعاوی وجود داشتند که در آن‌ها هرچند فروشنده در بازرسی از درون فروشگاه کوتاهی کرده بود ولی خریدار نمی‌توانست ادله‌ای مبنی بر اینکه فروشنده از این شرایط خطرناک مطلع بوده است ارائه

## همچنین در مواردی که فروشنده در بررسی و تمیز کردن محیط فروشگاه اهمال کرده بود، مسئولیت او مفروض شناخته می‌شد.

نماید. رویه دادگاه‌ها در برخورد با این مشکل متفاوت بود. برخی از محاکم اعلام می‌کردند که کوتاهی فروشنده در سرکشی به راهروهای فروشگاه به صورت منظم و متوالی در طول روز می‌تواند موجب مسئولیت او شود. دادگاه کالیفرنیا یکی از اولین دادگاه‌هایی بود که این دسته دعاوی را به این ترتیب مورد بررسی قرار داد. در این رای دادگاه تشخیص داد که کدوها در روز حادثه در شرایط خطرناکی قرار داشته‌اند و فروشنده نیز حدوداً چهل و پنج دقیقه پیش از وقوع حادثه زیانبار، آن بخش را کنترل کرده است. کارمندان فروشگاه می‌دانستند که مشتریان کدوها را جابه‌جا می‌کنند و در روزهای عادی، به دفعات بیشتری برای کنترل این موضوع به محل نگهداری کدوها می‌رفتند و آن‌ها را مرتب می‌کردند. لذا فروشنده به دلیل بی‌احتیاطی در کنترل به موقع محل حادثه‌آفرین، مسئول شناخته شد.<sup>۳۶</sup>

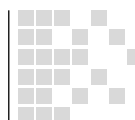
گروه دیگری از محاکم، به زمان معینی اشاره نمی‌کردند ولی عقیده داشتند که مدت زمان عرفی که اشیاء خطرآفرین بر روی زمین افتاده‌اند برای اثبات بی‌احتیاطی فروشنده و مسئولیت او کافی است. در سال ۱۹۳۸ پرونده‌ای طرح گردید. در این دعوا خواهان ادعا کرده بود که کارمند شرکت خواننده ظرف حاوی لوبیا را آنچنان بالا قرار داده بود که در زمان برداشتن آن توسط خریدار، ناگزیر تعدادی از آن‌ها به زمین می‌ریخت و به این ترتیب او محیط خطرناکی برای خریداران ایجاد کرده است. دادگاه در این پرونده چنین اظهار نظر کرد که (مدت زمانی که تعدادی لوبیا بر روی زمین افتاده بوده، پیش از آنکه خواهان بر روی زمین بیفتد، به گونه‌ای است که منطقی می‌توان نتیجه گرفت که خواننده، بایستی متوجه می‌شده که آن‌ها بر روی زمین هستند، و بایستی برای برداشتن آن‌ها اقدام می‌کرده و پیش‌بینی می‌نموده که این اتفاق منجر به

## در نهایت، به منظور حمایت از خریدار، محاکم قائل به مسئولیت نوعی یا مطلق برای فروشگاه‌هایی بزرگ شدند

چه نتیجه‌ای برای خریداران خواهد شد.<sup>۳۷</sup> این آراء در نهایت منجر به ایجاد یک «اماره»<sup>۳۸</sup> در زمینه مسئولیت صاحب فروشگاه شدند. اماره‌ای که به موجب آن صاحب فروشگاه بزرگ به دلیل ایجاد شرایط خطرناکی که نسبت به ایجاد آن علم داشته یا بایستی علم می‌داشته، مسئول صدمات وارد بر خریداران است.<sup>۳۹</sup>

البته فراموش نکنیم که این اماره نیز مانند هر اماره دیگری قابل رد است. به عبارت روشن‌تر، اعمال دکترینی که منتهی به ایجاد اماره به نفع خریداران می‌شود تا بدانجا نباید پیش برود که فروشنده را مسئول هر آنچه در فروشگاه اتفاق می‌افتد بنماید. سوالی که مطرح می‌شود اینست که چه معیاری برای محدود کردن مسئولیت او وجود دارد؟ چنانچه متذکر شدیم، برخی محاکم برای مدت زمانی که فروشنده در آن مدت، باید، برای کنترل شرایط فروشگاه اقدام نماید، زمانی در حدود دوازده تا پانزده دقیقه را پیشنهاد می‌نمایند. گروه دیگر تعیین مدت معقول را بسته به شرایط فروشگاه می‌دانند. به این معنا که هرگاه فروشگاه شلوغ باشد، فروشنده باید دقت بیشتری مبذول دارد و دفعات زیادی در داخل فروشگاه نظارت مستقیم نماید و هرگاه فروشگاه خلوت باشد، از این مسئولیت کاسته خواهد شد.<sup>۴۰</sup>

عوامل مؤثر در امکان رد اماره مربوط به فرض تقصیر صاحب فروشگاه، محدود به تعیین زمان‌های مشخص برای مراجعه و بررسی شرایط داخلی فروشگاه نشده است. بلکه برخی محاکم با استناد به ادله دیگری از مسئولیت فروشنده کاسته‌اند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۴۷ دادگاه پنسیلوانیا این قاعده کلی، که در فروشگاه بزرگ، فروشنده با عرضه کالا بر روی قفسه‌ها، حواس خریدار را به گونه‌ای پرت می‌کند که او نمی‌تواند مسیر جلوی پای خود را ببیند و هرگاه سقوط کند بی‌احتیاطی خاصی به او قابل انتساب نیست، را، قابل تعمیم به موضوع پرونده مطروحه ندانست. چرا که شهود خواهان اعلام نمودند که او در نتیجه توجه به پرتقال‌های عرضه شده تمرکز خود را از دست داده است. در حالی که شرایط جدید خرید به گونه‌ای است که خریدار در زمان خرید، باید نسبت به برخی بی‌احتیاطی‌های دیگران هوشیار بوده و بنابراین عرضه کالایی معمولی مثل پرتقال به هیچ وجه برای توجه بی‌دقتی نسبت به مسیر حرکتی، کافی نخواهد بود.<sup>۴۱</sup>





مصرف‌کننده و خریداری است که نسبت به فروشنندگان قدرتمند امروزی، از قدرت معاملی کمتری برخوردار و در نتیجه محتاج حمایت قانونی بیشتری، است.

### فهرست منابع

- ۱- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد ضمان قهری، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- ۲- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
1. Edward L. Hardin, "Liability of storekeeper to customers for injuries received from fall in self service stores", American Law Review, Vol 16, 1963-1964.
2. Insul, Donald A., "Negligence-Res ipsa loquatur- Self service stores", Western Reserve Law Review, Vol: 18, 1966-1967, P: 1016.
3. Miller, Wallace, "Implied warranty protects self service shopper even before she pays retailer for goods", Mercer Law Review, Vol 28, 1976-1977, PP: 751-759.
4. Wingar, Steven D., "Reapportioning the Burden of Uncertainty: Storekeepers Liability in the Self Service Slip-and Fall Cases", UCLA Law Review, Vol 41, 1993-1994.

### پی‌نوشت‌ها

1. Edward L. Hardin, "Liability of storekeeper to customers for injuries received from fall in self service stores", American Law Review, Vol 16, 1963-1964, P: 437.
۲. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص: ۸۱.
۳. منبع پیشین، ص: ۳۲.
۴. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص: ۶۴۶.
۵. منبع پیشین.
۶. منبع پیشین، ص: ۷۵۶.
7. Miller, Wallace, "Implied warranty protects self service shopper even before she pays retailer for goods." Mercer Law Review, Vol 28, 1976-1977, P: 752.
8. Executed contract of sale.
9. Executory contract of sale.
10. Ibid, P: 753.
11. Ibid, P: 754.
12. Ibid, P: 753.
13. Ibid, P: 756.

پیتزافروشی درون فروشگاه بزرگ به زمین ریخته بود، به زمین افتاد و صدمه شدیدی دید. مدیر داخلی فروشگاه در جریان محاکمه اعلام کرد که فروشگاه تعداد زیادی پیتزا در روز حادثه به خریداران فروخته و چون هیچ میز یا صندلی‌ای در این محدوده قرار نداشته، تعداد زیادی از خریداران پیتزای خود را ایستاده میل کردند و به همین دلیل زمین کثیف شده و منجر به وقوع حادثه گردیده است. در واقع هدف مدیر فروشگاه این بود که با انتساب سبب ورود ضرر به سایر خریداران فروشگاه، از بار مسئولیت خود بکاهد ولی دادگاه از این اظهارات نتیجه کاملاً عکس آنچه او می‌خواست گرفت. به این ترتیب هر چند خواهان نتوانست ثابت کند که فروشنده از شرایط خطرناک مطلع بوده است، دادگاه اعلام کرد که هیچ نیازی به اثبات بی‌دقتی فروشنده نیست چرا که اثبات این امر در اوضاع و احوال خاص پرونده، از هیچ اهمیتی برخوردار نیست. «قضیه اینست که وقتی فضایی خطرناک به دلیل نحوه اداره فروشگاه از سوی فروشنده ایجاد می‌شود که به راحتی قابل پیش‌بینی است که می‌تواند ایجاد خطر کند، نیازی به اثبات بی‌احتیاطی خواننده نیست.»<sup>۵۱</sup> خریدار کافی است ثابت کند که در اثر سقوط در فروشگاه زیان دیده است. در این صورت فروشنده مسئول شناخته می‌شود و تنها با اثبات قوه قاهره می‌تواند از مسئولیت بری شود.

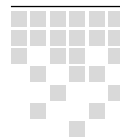
### نتیجه‌گیری

شرایط خریداران در زمان خرید از فروشگاه‌های بزرگ به گونه‌ای است که آن‌ها را به راحتی در معرض ورود خسارت قرار می‌دهد. تعیین مسئول جبران این خسارات از همان زمان شکل‌گیری اینگونه فروشگاه‌ها همواره دغدغه محاکم کامن لو بوده است. در این راستا هر چند تئوری تقصیر از قدمت بسیاری برخوردار بود ولی نتوانست با شرایط جدید زندگی مردم و خرید مطابقت کند و به همین دلیل کنار گذاشته شد. در عوض در مورد هر دو دسته خساراتی که در فروشگاه به خریدار وارد می‌شود یعنی هم خسارات ناشی از عیب کالا و هم خسارات مربوط به لغزش و سقوط، نظریه خطر آرام آرام جایگزین شد و محاکم با اتخاذ قاعده فرض تقصیر فروشگاه، در نهایت به سمت ایجاد مسئولیت نوعی و محض برای فروشنده پیش رفتند. مسئولیتی که بکارگیری آن تنها در جهت حمایت از

در سال ۱۹۶۴ دادگاه عالی نیوجرسی اولین دادگاهی بود که تلاش کرد به وضعیت خریدار در فروشگاه‌های بزرگ، نگاه جانبدارانه و حمایت‌گرانه جدیدی داشته باشد.<sup>۵۲</sup> خواهان در این دعوا به دلیل وجود تعدادی دسته لوییا بر روی زمین دچار لغزش شده، سقوط کرده و در نهایت متضرر گردیده بود. هیچ مدرکی مبنی بر نحوه قرارگرفتن لوییاها بر روی زمین و همچنین مدت زمانی که آن‌ها بر روی زمین بودند از سوی خواهان ارائه نگردید. دادگاه بدوی هم به همین دلیل خواهان را محکوم به بی‌حقی نمود. ولی دادگاه عالی رسیدگی‌کننده به درخواست تجدید نظر، اعلام کرد که «در شرایطی مانند این مورد که خواهان توان انتساب عامل ورود ضرر به خود را ندارد، متصفانه نیست که از خواهان بخواهیم که ثابت کند، خواننده دقت کافی برای جلوگیری از بروز خطر و ضرر را نکرده است.»<sup>۵۳</sup> در این نظر هر چند دادگاه مستقیماً به دکتین عدم نیاز به اثبات بی‌احتیاطی که ما از آن به «فرض تقصیر» صاحب فروشگاه یاد می‌نماییم<sup>۵۴</sup>، اشاره‌ای نکرده است ولی اماره قوی بر تمایل دادگاه بر استناد به آن، مشاهده می‌شود. قابل شدن به چنین نظری منجر به انتقال بار اثبات عدم بی‌احتیاطی بر عهده صاحب فروشگاه می‌شود.<sup>۵۵</sup>

چند سال بعد از رای دادگاه عالی نیوجرسی، دادگاه لوئیزیانا تغییر بار اثبات دلیل را توسعه داد. این دادگاه دلیل اثبات را کاملاً بر عهده خواننده فروشگاه گذاشت و این به معنای دگرگونی کامل نظریه سنتی مسئولیت بود. در این دعوی دادگاه اینگونه حکم داد که فرض تقصیر محرز است. خریدار تنها لازم است رابطه سببیت بین شرایط داخلی فروشگاه و ورود ضرر به خود را ثابت نماید و نیازی به اثبات تقصیر فروشنده ندارد. دادگاه استدلال کرد که زیان دیده در این دعوا یعنی خریدار، برای اثبات بی‌احتیاطی و تقصیر فروشنده، به نسبت او، در موقعیت ضعیفتری، قرار داشته و نیاز به حمایت بیشتری دارد.<sup>۵۶</sup> به همین دلیل، این دادگاه برای خواننده فرض تقصیر کرد و به عهده او گذاشت که بار اثبات دلیل مخالف را به دوش بکشد.

گام بعدی و نهایی که در زمینه مسئولیت فروشنده فروشگاه‌های بزرگ برداشته شد، ایجاد مسئولیت نوعی و محض برای او بود. در سال ۱۹۷۲ دعوایی موسوم به (Jasko v. F. W. Woolworth) طرح گردید. در این دعوا خریدار به دلیل سرخوردن بر روی یک تکه از پیتزایی که در کنار پیشخوان



- Self service stores", Westwrn Reserve Law Review, Vol: 18, 1966-1967, P:1015.
۴۸. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، همان منبع، ص: ۸۱.
49. Insul, Donald A., Op. cit., P:1015.
50. Kavlish v. Kramer, Gonzales v. Winn-Dixie, Winegar, Steven D, Op. cit., P: 885.
51. Ibid, P: 888.
14. Ibid, PP: 755,758.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، همان منبع، ص: ۹۱.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خسارج از قرارداد، همان منبع، ص: ۶۵۶.
17. Jeffries v. Safeway Stores (1946). Edward L. Hardin, Op. cit, P: 439
18. Brown v. Slack (1952), Ibid.
19. F. W. Woolworth v. Bradbury (1964), Ibid.
20. Pearce v. Canady (1964), Ibid.
21. Ibid.
22. "k-Mart"
23. Jackson v. k-Mart Corp. (1992), Winegar, Steven D., "Reapportioning the Burden of Uncertainty: Storekeepers Liability in the Self Service Slip-and Fall Cases", UCLA Law Review, Vol 41, 1993-1994, P: 863.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خسارج از قرارداد: ضمان قهری، همان منبع، ص: ۴۰۲.
25. Standard of care.
26. Winegar, Steven, Op. cit, P: 865.
27. Edward L. Hardin, Op. cit., P:442.
28. Ciminski V. Finn Corp, 1975, Winegar, Steven D, Op. cit., P: 866.
29. Kilmbly v. Wal-mart, 1989, Ibid.
30. Wittaker v. Schwegmann Bros. Giant Supermarkets, 1976, Ibid.
31. Sheil v. T. G. & Y. Stores, 1989. Ibid, P: 871.
32. Urban v. Waits Supermarket, 1980, Ibid, P: 873.
33. Torda v. Grand Union Co, 1959, Ibid.
34. Thomason v. Great Atl. & Pac. Tea Co, 1969, Ibid, P: 874.
35. Duty of care.
36. Ringerfelt v. Winn-Dixie Texas, 1965, Ibid.
37. Moone v. Grocery & Baking Co. Edward L. Hardin, Op. cit., P: 441.
38. Simpson V Duffy. Ibid, P: 442.
39. Food Fair Stores Inc. v. Moroni, Ibid.
40. Bridgman v. Safeway stores, 1960, Winegar, Steven D, Op. cit, P: 875.
41. Pabst v. Hillman's, Edward L. Hardin, Op. cit., P: 441.
42. Presumption.
43. Ibid.
44. Ibid, P: 1017
45. Edward L. Hardin, Op. cit., P:443.
46. (Bozza v. Vornado, Inc.), (Wollerman V. Grand union stores, Inc.) Winegar, Steven D, Op. cit., P: 884.
47. Insul, Donald A., "Negligence- Res ipsa loquitiur-

